امتیاز

یک‌شنبه ۷ آبان ۱۳۹۶
۹ صفر ۱۴۳۹ ● ۲۹ اکتبر ۲۰۱۷
شماره ۲۳۳۳ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول: غلامحسین شعبانی
دبیر تحریریه: هومن جعفری
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ٦٦٥٩٦٨٠٩
آگهی دولتی: ٦٦٥٦٧٧٦٤ - آگهی شهرستان ها: ٦٦٦٥٠٠٩٩
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

الناز شاکردوست در گروه نمایش «گم و گور»

الناز شاکردوست به گروه نمایش «گم و گور» پیوست که قرار است از ۲۱ آبان ماه به صحنه برود.«گم و گور» عنوان تازه ترین نمایش امیر مهندسیان است که قرار است از ۲۱ آبان ماه در سالن ناظرزاده تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه برود. این نمایش نخستین حضور الناز شاکردوست در یک نمایش محسوب می‌شود و این بازیگر برای اولین بار است که روی صحنه تئاتر خواهد رفت.

پیش از این حضور امیر جعفری در مقام بازیگر در این نمایش قطعی شده بود. تمرین های این گروه نمایشی از مدت ها قبل آغاز شده است و همچنان ادامه دارد.کاوه ابراهیم، علیرضا زارع پرست، فردین شاه حسینی، سمانه آقا زمانی بازیگران دیگری هستند که در این نمایش به ایفای نقش می پردازند که با حضور الناز شاکردوست لیست بازیگران این نمایش تکمیل شد.

این نمایش تازه ترین محصول گروه نمایش «شنل» خواهد بود و تهیه کنندگی آن بر عهده مرتضی میرمنتظمی و محمد قدس است. امیر مهندسیان جزو کارگردانان جوان در حوزه تئاتر است که پیش از این کارگردانی نمایش های «آدم برفی»، «مرحوم»، «جشن» و «لیلی نام تمام دختران ایران زمین است» را برعهده داشته و نویسندگی این نمایش به طور مشترک برعهده امیر مهندسیان و هادی احمدی بوده است.

انتشار ٤آلبوم جدید از سامان احتشامی بعد از ماه صفر

نوازنده و آهنگساز موسیقی کشورمان بعد از پایان ماه صفر چهار آلبوم جدید را بر اساس برنامه زمان بندی شده منتشر می کند.سامان احتشامی نوازنده پیانو و آهنگساز گفت: آلبوم جدیدم که آماده انتشار شده «گریبان» نام دارد. این آلبوم به آهنگسازی من و روایت علی عمرانی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون کشورمان مشتمل بر هفت قطعه برگرفته از آثار شاعران کلاسیک ایرانی در دسترس علاقه مندان قرار می گیرد.

وی افزود: وجه تمایز این اثر با سایر آلبوم هایی که با این محتوا در بازار موسیقی منتشر شده در این است که ما به جای اینکه صدای روایتگر و دکلمه کننده را با موسیقی از قبل ضبط شده در کنار هم قرار دهیم، ابتدا صدای روایتگر را ضبط و بعد با توجه به حس و حال صدای او موسیقی را تولید می کنیم.احتشامی عنوان کرد: در این آلبوم کریم قربانی نوازنده ویولنسل، بابک شهرکی نوازنده سازهای زهی، شهرام رکوعی نوازنده فلوت و بنده به عنوان نوازنده پیانو گروه اجرایی را تشکیل می دهیم.

وی ادامه داد: «آثار ارکسترال سامان احتشامی ۱» نیز آلبوم دیگری است که طی ماه های آینده در بازار موسیقی منتشر می شود. البته این مجموعه که مشتمل بر هشت تراک برای ارکستر بزرگ و پیانوست حدود ۱۰ سال پیش برای اولین بار در دسترس علاقه مندان قرار گرفت و من دوباره تصمیم گرفتم با توجه به ضرورتی که در شرایط فعلی حس می کنم آن را با طراحی و تنظیم جدید منتشر کنم. احتشامی در بخش دیگری از صحبت های خود به عرضه یک آلبوم جدید دیگر اشاره کرد و گفت: آلبوم جدیدم با عنوان «آثار موسیقی فیلم سامان احتشامی ۱» متشکل از موسیقی فیلم های «رستگاری در هشت و بیست دقیقه» به کارگردانی سیروس الوند، «این ترانه عاشقانه نیست» به کارگردانی رحمان رضایی، «شکاف» به کارگردانی کیارش اسدی زاده، «شازده کوچولو» به کارگردانی نورالدین زرین کلک، «خط ساغر» به کارگردانی سعید پورشبانی هم کار جدید دیگری است که به زودی منتشر می شود. من در این آلبوم کوشیده ام تا ضمن پرهیز از اضافه گویی ها و مبالغه فضای کار را به سمتی ببرم که موسیقی آثار برای مخاطب تکراری نباشد. مدت زمان در نظر گرفته شده برای آلبوم ۷۰ دقیقه است که در قالب یک سی دی در دسترس علاقه مندان قرار می گیرد.

دانشمند ایرانی دانشگاه هاروارد و MIT:

اگر علوم پایه را بلد باشید آموختن چیزهای جدید ساده‌تر خواهد بود

نسترن صائبی

علیرضا خادم حسینی متولد ۱۳۵۸ در تهران است که از ۱۲ سالگی در اواخر جنگ تحمیلی به همراه خانواده‌اش ایران را ترک و به آمریکا سفر کرد. وی هم‌اکنون استاد دانشگاه‌های هاروارد و MIT است و موفق به ابداع شیوه‌ای نوین در ساخت اندام‌های مصنوعی شده که از این روش برای ساخت کبد مصنوعی و بافت قلب استفاده می‌شود.

خادم حسینی تحصیلات عالی را از سال ۱۹۹۵ از دانشگاه تورنتو در رشته شیمی و شیمی کاربردی شروع کرد و سال ۲۰۰۱ از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و پس از آن در انستیتوی تکنولوژی ماساچوست (MIT) در مقطع دکتری شروع به تحصیل کرد و در سال ۲۰۰۵ فارغ‌التحصیل شد. وی از سال ۲۰۰۶ در دانشگاه‌های هاروارد و MIT پروفسور است.

در ادامه مصاحبه ایمیلی ما را با این دانشمند ایرانی می‌خوانید:

چه دستاوردهای تحقیقاتی و پژوهشی‌ای داشته‌اید؟

عمده تحقیقات من در زمینه‌های میان‌رشته‌ای و هدفم غلبه بر موانع موجود در زمینه‌های مهندسی، علوم نانو و پزشکی بوده است. من معتقدم که علی‌رغم پیشرفت‌های خیلی زیاد در زمینه مهندسی پزشکی و بیولوژی، متدولوژی‌های درون آزمایشگاهی (in vitro) فعلی به اندازه کافی دقیق و کمّی نیستند.برای اطلاع بیشتر از عملکرد سلول‌ها و تنظیم رفتار آنها به داده‌های دقیق کمی و کیفی درون آزمایشگاهی نیاز داریم. در گروه تحقیقاتی من با تلفیق دانش در زمینه‌های مهندسی شیمی و مهندسی مواد، پزشکی، بیولوژی، پزشکی و نانوتکنولوژی، رویکردهای نوآورانه‌ای را برای آنالیز رفتار سلول‌ها و هدایت رفتار سلول‌ها در جهت موردنظرمان در پیش می‌گیریم. مثلا هیدروژل‌های حاوی سلول را با استفاده از تکنیک پرینت سه‌بعدی به شکل و فرم مورد نظر خود پرینت می‌کنیم و ساختارهایی مانند قلب مصنوعی و استخوان مصنوعی درست می‌کنیم. علاوه بر این، بایومواد (Biomaerials) با خاصیت چسبندگی و کشسانی بالا تولید کرده‌ایم. این مواد می‌توانند به عنوان چسب (sealant) در عمل‌های جراحی استفاده شوند. یک ریه در حال خونریزی در نظر بگیرید. با استفاده از یک چسب کشسان، جلوی خونریزی را می‌گیریم و با این حساب دیگر عملکرد ریه دچار مشکل نمی‌شود. سیلانت‌های جراحی موجود این‌چنینی چسبندگی و کشسانی را همزمان ایجاد نمی‌کنند. علاوه بر اینها، پروژه‌هایی در زمینه کاربرد تکنیک‌های نساجی در تولید بافت مصنوعی (خصوصا بافت عضله) انجام دادیم. زمینه دیگری که خیلی به آن علاقه‌مند هستم و تحقیقات گسترده‌ای در مورد آن کردم سیستم‌های آزمایشگاه روی تراشه (lab-on-chip) است. با استفاده از این سیستم‌ها لزومی به آزمودن داروها روی جانوران نیست. ما پیشرفته‌ترین سیستم‌های Lab-on-chip را با بایوراکتورهای موجود هماهنگ کرده‌ایم و با استفاده بایوسنسورهایی (حسگرهای زیستی) که خودمان طراحی کرده‌ایم، رفتار فیزیولوژیک سلول‌های بدن انسان را بررسی می‌کنیم. غیر از اینها در زمینه سلول‌های بنیادی هم بسیار فعال هستم. این سلول‌های قابلیت خودنوسازی و تمایز یافتن به سلول‌های دیگر را دارند. هدف ما کنترل تمایز این سلول‌ها و مدیریت رفتار آنها در راستای مورد نظر ماست. معتقدم که این سلول‌ها تاثیر بسیار بزرگی بر تحقیقات آینده و نحوه برخورد ما با بسیاری از بیماری‌های خواهد گذاشت.

چه شد که وارد حوزه ساخت بافت‌های مصنوعی شدید؟ آخرین دستاوردتان در این زمینه چه بوده؟

در دهه‌های گذشته، پیشرفت‌های زیادی در زمینه بافت‌های مهندسی شده زیست‌تقلید (Biomimetic) به دست آمده است. این بافت زیست‌تقلید باید در بعدهای مختلف طراحی مشابه و عملکرد یکسان با بافت اصلی داشته باشد. تکنیک پرینت سه‌بعدی مواد بیولوژیک به ما امکان فرم‌دهی و ساخت یک بافت مصنوعی حاوی سلول می‌دهد. موادی که در حال حاضر برای پرینت کردن بافت مصنوعی استفاده می‌شوند نارسانا هستند و کارامدی محدودی دارند. در تحقیقی که در آن موفق به ساخت بافت مصنوعی قلب، کبد و پوست جهت پیوند شدیم، نانوذرات رسانایی به هیدروژل‌ها اضافه کردیم و بعد با استفاده از تکنیک پرینت سه‌بعدی آن هیدروژل‌ها را طبق ساختار مورد (بافت قلب مصنوعی) پرینت کردیم. این مواد رسانا باعث شد سیگنال الکتریکی بین سلول‌ها بهتر هدایت شود و سلول‌های قلبی این ساختار مصنوعی، مثل یک قلب واقعی می‌تپیدند که منجر به جمع و باز شدن بافت مثل یک قلب واقعی می‌شد. در یک تحقیق جدیدتر نانوذرات رسانا را به هیدروژل‌هایی حاوی سلول‌های بنیادی موش اضافه کردیم و موفق شدیم این سلول‌های بنیادی را به سلول‌های بافت قلبی تمایز بدهیم و این سلول‌های تمایز یافته با موفقیت می‌تپیدند.

آینده اندام مصنوعی و کلا انسان‌ها را چطور می‌بینید؟ به نظر شما فناوری‌ها و به طور کلی علوم چه تاثیری در زندگی و سلامت ما انسان‌ها خواهند داشت؟ آیا ما به تدریج به سمت «نامیرایی» خواهیم رفت؟

زمینه تحقیقاتی زیست‌ماده‌ها (biomaterials) سرشار از استراتژی‌های جالب و تکنیک‌های نوین برای مهندسی و ساخت مواد دارویی و همچنان بافت‌های مصنوعی است. اما فراموش نکنید که هر فرمولاسین و ترکیب تازه باید به تائید برسید. کل این پروسه از ایده‌پردازی، تا طراحی فرمولاسیون، ساخت ساختار مورد نظر، بررسی خواص فیزی، مکانیکی و بیولوژیک آن، آماده کردن پروتکل برای تست کردن ماده روی جانوری که مدل خوبی برای آن بیماری باشد و در نهایت معرفی محصول برای استفاده کلینیکی زمان‌بر و هزینه‌بر است.با این وجود، تحقیقات در زمینه مهندسی بافت سرعت بالایی دارند و نسبت به بقیه زمینه‌های تحقیقاتی با سرعت بیشتری در حال رشد هستند. این تحقیقات نیازمند همکاری و فعالیت محققان در زمینه‌های مختلف مثل شیمی، مواد و پلیمرها، علوم بیولوژیک و زیستی، علوم پزشکی و علوم نانو است.در همه تحقیقات، هدف نهایی ما تسریع درمان بیمارها، کاهش درد و رنج آنها و اطرافیانشان و بهبود کلی زندگی آدمهاست. نامیرایی هرگز هدف ما نبوده و نخواهد بود و حقیقتش دلایل بیولوژیک فراوانی برای نیاز به مرگ در طبیعت وجود دارد.

از نظر شما، محققان ایرانی تا چه اندازه در زمینه ساخت بافت یا اندام‌های مصنوعی پیشرفت داشته‌اند؟

من با محققان زیادی از ایران در ارتباط هستم و می‌دانم که کنگره‌های مختلفی در زمینه مهندسی بافت و تولید اندام مصنوعی در ایران برگزار شده است. به نظرم ایرانی‌ها تحقیقات خیلی خوبی در این زمینه انجام داده‌ند و پروژه‌های مشترک متفاوتی بین محققان مختلف در جریان است. خوشحالم که این زمینه تحقیقاتی در ایران رو به رشد است و علاقه‌مندان زیادی دارد.

برنامه پژوهشی بعدی شما چیست؟

همانطور که گفتم، زمینه تحقیقاتی دیگری که به آن علاقه‌مندم و مقاله‌های زیادی هم در مورد آن چاپ کردهام، سیستم‌های آزمایشگاه روی تراشه (lab-on-ship) است. ایده اصلی این است که اندام‌های و بافت‌های بدن انسان را روی یک تراشه کوچک به صورت مینیاتوری بسازیم و رفتار آنها را بازسازی کنیم. در گروه تحقیقاتی من، اندام‌های پیچیده‌ای مثل کبد و قلب را روی تراشه بازسازی کردیم و این اندام‌ها را به یکدیگر وصل کردیم تا پاسخ بیولوژیک کامل‌تری را بازسازی کنیم. از این سیستم برای آزمودن اثر داروهای مختلف و تعیین دوز مورد نظر می‌توانیم استفاده کنیم و در زمینه پزشکی شخصی پیشرفت کنیم. برای نمونه، می‌توانیم از یک بیمار مبتلا به سرطان کبد، مقداری نمونه بگیریم و بافت کبد سرطانی او را روی یک تراشه بازسازی کنیم و سپس داروهای مختلف را روی آن تراشه آزمایش کنیم و تاثیر این داروها را در کشتن سلول‌های سرطانی ببینیم و ترکیب دارویی و دوز مورد نیاز آن بیمار را بدست بیاوریم. به این ترتیب، به جای آزمودن داروها روی حیوانات، دارو را روی یک تراشه کوچک، روی سلول‌های شخص بیمار بررسی میکنیم.

محبوب‌ترین ابزاری که از آن استفاده می‌کنید چیست؟

گوشی آیفونم را بیشتر از بقیه وسایلم دوست دارم. چون می‌توانم به راحتی با همه در ارتباط باشم و اپلیکیشن‌هایی که می‌خواهم را روی آن نصب کنم.

زمان‌هایی که اوقات فراغت دارید، آیا با گوشی خود بازی می‌کنید؟

مدت خیلی زیادی است که بازی ویدئویی انجام نداده‌ام و آنچنان طرفدارش نیستم.

کلا از چه نرم‌افزارهایی در گوشی‌تان بیشتر از همه استفاده می‌کنید؟

اپلیکیشن مورد علاقه‌ام Evernote است. حتما امتحانش کنید. با این اپلیکیشن می‌توانم هر جا که بخواهم و از هر چیز که بخواهم یادداشت‌برداری کنم. مثلا یک مقاله جالب، یک خبر یا یک ویدئو. می‌توانم همه اینها را در مجموعه یادداشت‌هایم جمع کنم. کنارشان یادداشت شخصی بنویسم و همه اینها در یک جا ذخیره می‌شوند و می‌توانم بعدا، هر وقت که خواستم، مجددا به آنها رجوع کنم. حتی می‌توانم این مطالب را برای دیگران هم بفرستم. در واقع Evernote به من کمک می‌کند که یک آرشیو کامل از چیزهایی که می‌خواهم در دسترس داشته باشم.

آیا از اپلیکیشن‌های پیام‌رسان مثل تلگرام یا واتس‌اپ یا ایمو استفاده می‌کنید؟

از همه این اپ‌ها استفاده می‌کنم. افراد مختلف پلاتفرم‌های متفاوتی را دوست دارند و من می‌خواهم با همه در ارتباط باشم. گوشی‌ام همیشه کنارم است.

میزان سواد و علمی جوانان ایرانی را در چه سطح می‌بینید؟ چه توصیه‌ای به جوانان ایرانی دارید؟

من فقط تا کلاس ششم ایران بودم. از نظر فرهنگی، فکر می‌کنم فرهنگ ایرانی ارزش و اهمیت بالایی برای آموزش قائل است که واقعا خیلی عالی است. از نظر علمی هم از سیستم آموزش عالی ایران راضی هستم. دانشجوهای ایرانی زیادی برای فرصت مطالعاتی دوره دکتری و یا برای تحقیق در مرحله پست‌دکتری به آزمایشگاه من می‌آیند و از عملکرد و دانش آنها خیلی راضی هستم. توصیه می‌کنم علوم پایه را خوب یاد بگیرید. اگر علوم پایه (ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست) را خوب بلد باشید آموختن چیزهای جدید و یادآوری دانسته‌های قدیمی‌تان ساده‌تر و سریع‌تر خواهد بود.

کلا فضای فناوری و نوآوری در ایران از نظر شما چگونه است؟

ایران جامعه خیلی پویا و رو به رشدی دارد. شنیده‌ام که اپلیکیشن‌های زیادی توسط ایرانی‌ها در برای استفاده در ایران معرفی شده و به نظرم این خیلی فوق‌العاده است.

آیا دوست دارید برای زندگی به ایران برگردید؟

خیلی دوست دارم به ایران بیایم و با جامعه علمی ایرانی در ارتباط باشم. دوست دارم در شهرهای مختلف، فرهنگ آن شهر را حس کنم، آثار باستانی و زیبایی‌های طبیعی ایران را ببینم. فکر می‌کنم ایران کشور فوق‌العاده‌ای است و برای همه ایرانی‌ها آرزوی موفقیت می‌کنم.

منبع: آنا

یادداشت امیر سحرخیز به مناسبت روز انیمیشن

امیر سحرخیز به مناسبت روز انیمیشن در یادداشتی برای این بخش از سینمای کشورمان چند آرزو مطرح کرده است.امیر سحرخیز عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگری انیمیشن استان تهران، انیماتور و فعال عرصه انیمیشن به مناسبت روز جهانی انیمیشن شنبه ۶ آبان ماه (مصادف با ۲۸ اکتبر) یادداشتی نوشته و در اختیار مهر گذاشته است.متن این یادداشت به شرح زیر است:

عقربه‌های ساعت روی دیوار ۳ صبح را نشان می‌دهند. در دوردست صدای خش و خش جارو روی آسفالت شنیده می‌شود و صدای ماشین‌هایی که گه گاه می‌گذرند. نور مانیتور کامپیوتری که روی میز قرار دارد تا حدودی اتاق را روشن کرده است. از وضعیت اتاق مشخص است که ساکنش روزهاست که آن را ترک نکرده است. جعبه‌های تلنبار شده پیتزا، قوطی‌های نوشابه خالی روی زمین و چای‌های کیسه‌ای که مشخص است بارها استفاده شده‌اند و دیگر رنگی به رخسارشان نیست. صدای پیغام‌های آزار دهنده تلگرام که روی مانیتور ظاهر می‌شوند و کسی نیست پاسخشان را بدهد فضای اتاق را پر کرده است. غول چراغ با تعجب به اتاق و موجود عجیبی که با وحشت به او زل زده است نگاه می‌کند. چراغ جادو در دستانش است و تمام بدنش می‌لرزد.

غول (با بی‌حوصلگی) : سرورم!

جوابی نمی‌آید!

غول: سرورم!

و باز سکوت!

غول (با کمی عصبانت) : سرورم! مهندس! بزرگوار!

موجود عجیب هنوز با دهان باز و متعجب به غول نگاه می‌کند. غول ادامه می‌دهد: داداش ما ۱۰۰ سال توی اون چراغ گرفتار شده بودیم! ولی انگار شما هم همکاری! قشنگ معلومه کلی وقته تو این اتاق تنگ و تاریک زندونی بودی!

صدای نامفهومی از گلوی موجود عجیب خارج می‌شود.

غول که انگار به ادامه این مکالمه امیدوار شده است: آها! آها! بگو! اصلا اگه سختته بنویس! ببین من اینجام که آرزوهای تو رو برآورده کنم!

موجود عجیب با همان دهان باز به غول نگاه می‌کند. کم کم صداهای نامفهوم به کلمات بریده تبدیل می‌شوند.

غول: اصلا آرزویی داری؟

صداهای نامفهوم ادامه دارد. غول ضربه‌ای به پشت موجود عجیب می‌زند و او بالاخره با تلاش بسیار شروع به حرف زدن می‌کند: م...م...م... می‌تونی کاری کنی رندر پروژه‌م سریع انجام بشه؟

غول (سرش را می‌خاراند) : ماشین؟ خونه؟ حساب بانکی؟

موجود عجیب: نه! همین بهترین کمکیه که می‌تونی بکنی. به سفارش دهنده قول ۷ صبح رو دادم که کارش رو تحویل بدم!

غول: مگه کله پزیه؟

موجود عجیب (با بی‌حوصلگی) : می‌تونی؟

غول: آره ولی جسارتاً شغل شریف شما چیه؟

موجود عجیب: انیماتورم!

غول: آها! همون! گفتم این حجم از نجابت یه کم غیرطبیعیه! پس انیماتوری. باشه داداش. من معمولاً ۳ تا آرزو رو برآورده می‌کنم. ولی شما همین که تونستی وسط این همه بدبختی با تخیلت من رو از توی قصه‌ها و داستان‌های قدیمی بکشی بیرون و نصفه شبی بی‌خوابمون کنی، حقته ۴ تا آرزو بکنی.

انیماتور (همان موجود عجیب) : نه همین یه دونه هم کافیه!

غول: باشه باشه. (با خود غرولند می‌کند) خدارحمت کنه علاءالدین و رابین ویلیامز و دیزنی خدا بیامرز رو.

انیماتور خوشحال می‌شود.

غول نفس عمیقی می‌کشد و پشت کامپیوتر می‌نشیند.

غول: مکس یا مایا؟

پایان!

این که قصه بود! اما بارها شده است که در لحظات سخت کار انیمیشن، از روی درماندگی و خستگی و بی‌خوابی، آرزو کردم ای کاش چراغ جادویی بود که با «تاچ» کردن آن غول چراغی (حالا نه آن‌قدر زمخت که در انیمیشن علاءالدین دیدیم!) ظاهر می‌شد و می‌گفت: سرورم! ۳ تا آرزو کن! کار سختی است. ۳ آرزو و نه حتی یکی بیشتر!

خب من همیشه از کودکی دوست داشتم بتوانم در زمان سفر کنم تا درست در تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۵ در مکزیک باشم و وسط بازی یک چهارم نهایی جام جهانی فوتبال بین تیم‌های برزیل و فرانسه، به زیکو فوروارد افسانه‌ای تیم ملی برزیل بگویم: بزرگوار! پنالتی رو درست بزن که اشک یک بچه دبستانی طرفدار برزیل رو در نیاری!

این یک آرزو.

و باز هم از آن‌جا که من یکی از طرفداران سر سخت خانم اسکارلت جوهانسون هستم و همیشه آثارشان را دنبال می‌کنم،

یکی از آرزوهای من حتی در لحظات بحرانی و سخت، قطعاً خرج دیدار حضوری ایشان خواهد شد. شد دو تا آرزو!

من می‌مانم و یک آرزو برای انیمیشن ایران!

خب طبیعتا آرزو می‌کردم پول هنگفتی در انیمیشن ایران سرازیر شود اما از کجا معلوم همه این پول به دست اهلش برسد؟ پس آرزو می‌کنم انیمیشن ایران رونق بگیرد تا همه فعالان انیمیشن ایران فقط و فقط در انیمیشن فعالیت کنند. اما باز هم از کجا معلوم دستمزدشان را درست و به موقع و تمام و کمال بگیرند و مثل همیشه دستشان خالی نماند؟

آرزو می‌کردم انیمیشن ایران از مرزهای کشور فراتر رود و به همه دنیا صادر شود و همه برای سفارش انیمیشن به ایران بیایند، اما آیا در آن صورت کسی می‌ماند که برای کودکان سرزمین من قصه‌هایی به رنگ خیال ببافد؟ ظاهرا یک آرزو برای انیمیشن ایران کافی نیست. باشد من از خیر زیکو و اسکارلت جوهانسون خواهم گذشت، اما بعید می‌دانم حتی ۳ آرزو هم کافی باشد! در این چند سال گذشته، انگشت شمارند روزهایی که در آن حال خوشی را از بودن در دنیای انیمیشن تجربه کرده باشیم. حال خوشی که از کار کردن و دیدن نتیجه زحماتمان، از موفقیت دوستانمان در فیلمسازی، از دور هم جمع شدن در جشن‌ها و جشنواره‌ها و از رسیدن به جایگاهی درست در سینمای ایران به دست می‌آید.آرزو می‌کنم حال و آینده انیمیشن ایران دوباره خوش شود. که از آن حال خوش، رسیدن به پول و رونق و بازارهای جهانی و جشنواره و جایزه و شاد شدن از دیدار دوستانمان کار سختی نخواهد بود.از دوستان، بزرگان، همکاران و اساتید خود در دنیای انیمیشن دعوت می‌کنم آرزویی بکنند.

یک فنجان چای داغ

مخاطبان ایرانی برای نمایشگاه های مفهومی آموزش ندیده اند

مهرداد ختایی که این روزها نمایشگاه آثارش با عنوان «حکم» در گالری ماه برپاست، معتقد است مخاطبان ایرانی برای نمایشگاه های مفهومی آموزش ندیده اند و مطالعه قبلی کمی در این زمینه دارند.این روزها نمایشگاه آثار مهرداد ختایی با عنوان «حکم» در گالری ماه برپاست. مجموعه ای نقاشی و چیدمان که همگی حول یک ایده محوری شکل گرفته اند به طوری که ختایی معتقد است کسی که یک اثر از این نمایشگاه را به خانه می برد باید با ایده کاملی که پشت خلق این مجموعه است، آشنا باشد.

مهرداد ختایی درباره مجموعه جدید خود به خبرنگار مهر گفت: این مجموعه در ادامه مجموعه قبلی من که با عنوان «چرنویل» برپا شد، خلق شده است. در آن مجموعه نیز یک آرمان شهر ایده آلی ساخته می شود و در آن فضای ایده آل، حادثه چرنویل رخ می دهد. من در آن مجموعه پیرامون این موضوع اتودهایی زدم و شروع به کار کردم و در انتها به یک مقوله قدیمی که فلسفه جبر و اختیار است، رسیدم.

وی ادامه داد: در این نمایشگاه استارت اصلی کارهایم از بازی های معروف در دنیای گیم شروع شد. یک بازی هم وجود دارد که معنایش می شود حکم و سرنوشت. اشاره حکم به آن نتیجه اصلی است که حاصل می شود. خیلی خلاصه بخواهم حرفم را بگویم باید اشاره به چیدمان نمایشگاه داشته باشم. در این چیدمان شیر آب فرسوده ای را مشاهده می کنید که از دل دیوار بیرون آمده و جلبک بسته است و ۵ جاصابونی فسیل شده نیز وجود دارد. در این چیدمان، تخم مرغ شانسی ها را می بینید که داخل آنها اشیا دیده می شود که در واقع از دل دیوار و شیر آب یک اهدایی به اسم تخم مرغ شانسی به مخاطب پیشنهاد می شود که گویی یک سورپرایز است اما در حقیقت اینها به صورت سری در کارخانه ساخته شده اند و داخلشان از قبل چیزهایی گذاشته شده است. این چیدمان در انتها تبدیل به موجودیت های بایگانی شده می‌شود.

این نقاش با اشاره به اینکه نقاشی های این مجموعه نیز ادامه همین تفکر را پی می گیرد، بیان کرد: مخاطب هنگام دیدن آثار نقاشی، بعد از دیدن پرتره سوم دیگر می داند در پرتره بعدی با چه چیزی روبرو خواهد شد. می داند جای المان ها کجاست، پرتره اصلی کجای تابلو قرار می گیرد و حالت چهره احتمالا چگونه است. این از ضعف خالق اثر نیست بلکه یک بیانیه را اعلام می کند.

ختایی در پاسخ به این سوال که تک تک نقاشی ها در معنایی مجرد از کلیت این مفهوم نیز قابل خوانش هستند، گفت: هر اثر هنری باید بتواند در یک کلیت و به صورت مجزا دارای معنا و تاویل باشد. پرتره ها حسی از افسردگی را دارند و گویی مجرمینی هستند که مقابل دوربین پلیس ایستاده اند تا عکسشان گرفته شود. این تابلوها به شکل مجزا قابل تاویل هستند اما نکته در این است که اگر شخصی می خواهد یکی از تابلوهای این نمایشگاه را به صورت مجزا به خانه اش ببرد، بهتر است نگاه و خوانش کلی از نمایشگاه داشته، چیدمان را دیده باشد و حتی استیتمنت نمایشگاه را داشته باشد.

وی درباره اینکه چقدر مخاطب امروز چنین برخوردی با اثر هنری دارد، اظهار کرد: من این نمایشگاه را به لندن هم خواهم برد و بازتاب آن نمایشگاه برایم مهم است که یکی از دلایلش همین قیاس خواهد بود. متاسفانه در داخل کشور مطالعه قبلی میان مخاطبان زیاد اهمیت ندارد. خیلی ها روز افتتاحیه درباره چرایی استفاده از تخم مرغ شانسی می پرسیدند در حالیکه حتی استیتمنت را هم نخوانده بودند. مخاطب ما برای نمایشگاه تخصصی و مفهومی آموزش دیده نشده است و بیشتر خریداران آثار هنری نیز به عنوان ارز به آن نگاه می کنند یعنی اثر هنری را می خرند تا وقتی یورو گران شد آن را بفروشند.ختایی در پایان از آماده سازی یک مجموعه نمایشگاهی چاپ دستی خبر داد که احتمالا کار اتمام آثار آن یک سال به طول خواهد انجامید.

یادداشت محمدعلی صفورا برای جامعه انیمیشن کشور

محمدعلی صفورا به مناسبت روز انیمیشن در یادداشتی به تلاش جامعه انیمیشن کشورمان برای رشد و اعتلا و همچنین ایجاد شادی برای کودکان اشاره کرد.محمدعلی صفورا عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس و دارای سابقه کارگردانی، تولید انیمیشن، نگارش و ترجمه به مناسبت روز جهانی انیمیشن شنبه ۶ آبان ماه (مصادف با ۲۸ اکتبر) یادداشتی نوشته و در اختیار مهر گذاشته است.

متن یادداشت بدین شرح است: «پس از گذشت شصت سال از آغاز انیمیشن در ایران، جامعه انیمیشن با وجود همه تنگناها و مشکلات معیشتی، نجیبانه و امیدوارانه و رو به جلو حرکت می کند.در طی همه سال های گذشته، هنر چندبعدی، گسترده و تاثیرگذار انیمیشن بخشی از تربیت فرهنگی کودکان این سرزمین را به عهده داشته، برایشان لبخند و شادی آفریده، هیجان را به دنیای نوجوانی ارزانی داشته، اعضای خانواده ها را کنار هم نشانده و برای نسل های مختلف خاطره جمعی ساخته است.

در کنار انیمیشن های تلویزیونی، آثار تجربی انیمیشن ایران همیشه مخاطب خود را به تفکر در امور جهان زیسته واداشته و با خلاقیت قابل ستایش و بازنمایی ظرافت های فرهنگی، زیبایی و معنی خلق کرده، در جشنواره های جهانی ذوق هنری خود را به رخ کشیده و پرچم فرهنگی ایران زمین را در نقاط مختلف جهان برافراشته است.

تاریخ گواه است، انیمیشن ایران برای رسیدن به این همه، تمام توان خود را به کار گرفته است و حالا در چرخه ای دیگر برای رسیدن به جایگاه واقعی خود و برداشتن گام های بلندتر، بازهم تلاش دارد تا به کمک مسئولان و متولیانی که از مشکلات این عرصه و بویژه از کمبود بودجه و مشکل بیکاری اطلاع دارند از چالش های پیش رو عبور کند.در روز جهانی انیمیشن، ارادت قلبی خود را، به پیشکسوتان، اساتید، مدیران، هنرمندان و دانشجویانی که در کنار هم و تنها به ساختن می اندیشند، ابراز می دارم. سپاس از پایداری متعهدانه شما.

اضافات‌مسعودی

مهندسی مجدد یا کایزن !

فقط درکشور ما این مسئله رایج است که هرکسی که بتازگی وارد مجموعه ای می شود تمام نفرات و زحمات نفرات قبلی آن مجموعه را نادیده می گیرد. یعنی فکر می کند باید مهندسی مجدد کند و از ریشه همه چیز را درست کند تا به کارها سروسامانی بدهد در صورتی که اگر این آدمها ذره ای علم و مدیریت داشتند می دانستند که تغییرات اساسی و ریشه ای نیاز به زمان زیادی دارد و نباید همه چیز را از صفر آغاز کرد و با بی احترامی به آدمها آنها را نادیده گرفت. قرار نیست وقتی ما وارد مجموعه ای می شویم صفر تا صد نفرات و روال کاری را تغییر بدهیم و نفراتی که مدتها در این سیستم زحمت کشیده اند را نادیده بگیریم و نفرات و دیدگاههای خودمان را بصورت دوبله و سوبله جایگزین کنیم و اگر آن انتها چیزی ماند برای بقیه نگه داریم. اینطور مواقع بد نیست سری به فلسفه های مدیریتی ژاپنی بزنیم و از آنها بهره بگیریم .یکی از این تئوری ها یا فلسفه های مدیریتی «کایزن» نام دارد که بنا بر تعاریف عنوان شده « ترکیبی دو کلمه ای است که مفهوم آن تغییر به سمت بهتر شدن یا بطور کلی بهبود مستمر و تدریجی است. در واقع کایزن بر این فلسفه استوار است که برای ایجاد بهبود لازم نیست به دنبال تغییرات انفجاری یا ناگهانی باشیم، بلکه هر نوع بهبود یا اصلاح به شرط آنکه پیوسته و مداوم باشد، ارتقای بهره وری را به ارمغان خواهد آورد»

با این تعریف می توان به این نتیجه رسید که مهندسی مجدد در ایران یا بعبارتی قلع و قمع کردن نفرات و فرآیندها و ساختارهای موجود اگرچه شدنی است اما مستلزم هزینه های بسیار است و همچنین در بحث نیروی انسانی، کارِ درست و اصولی نیست چرا که بنوعی نادیده گرفتن زحمات و تلاش هایَ افرادی است که در مدت زمان فعالیتشان همیشه موثر بوده اند و خوب کار کرده اند اما با یک بی تدبیری یا بی دانشی کنار رفته اند و عرصه برای افرادی فراهم شده است که مشخص نیست تابحال کجا بوده اند و چرا حالا که هستند به اندازه ، سهم و حق خودشان قانع نیستند. با رویکرد کایزن شما دست به تغییرات تدریجیِ در راستای بهبود مستمر فرایندها و فعالیت ها می زنید و با این کار عملاً ساختارشکنی اساسی صورت نمی گیرد و به مرور زمان همه چیز اصلاح می گردد و دیگر شاهد این نیستیم که یک مجموعه بکل تغییر کند و زحمات و کارها و خدمات نفرات قبلی نادیده گرفته شود و یا به فراموشی سپرده شود . بی انصاف نباشیم !

مسعودعطری